پژوهشی در کتب رجال امامیه در قرن سوم

پهلوان، منصور

چکیده

یکى از علوم اسلامى که در سایه قرآن کریم و روایات معصومین(ع)به وجود آمده، علم رجال است که در آن به شناسایى وضعیت راویان اخبار مى‏پردازد.طبق شواهد علمى ریشه‏هاى علم رجال در شیعه، در روایات رجالى امامان علیهم السلام است و به دنبال آن مى‏توان نظرات کارشناسان رجالى را در قرن دوّم تتبع کرد.قرن سوّم کتب و اصول اولیه رجالى در شیعه نمایان مى‏شود و قرن چهارم و پنجم به اتّکاء همین منابع کتب اربعه رجال به ظهور رسید، لذا شناخت کتب رجالى در قرن سوّم اهمیت بسزا دارد.از این کتب-که امروز نیز در دسترس است-کتاب رجال برقى و رجال عقیقى یاد کردنى است.

واژه‏هاى کلیدى:رجال، فهرست، امامیه، طوسى، نجاشى، کتاب.

مقدمه:

1-همواره وجود رجال دانشمند و کتب ارزشمند، میزانى براى تمیز جوامع فرهنگى و مترقى از جوامع بى‏فرهنگ و عقب مانده بوده است.ظهور اسلام و آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلى اللّه علیه و آله در بیان مقام والاى دانشمندان (1)-دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران-سردبیر فصلنامه تخصصى سفینه. و همچنین تأکیدات ائمه معصومین علیهم السلام در این باب باعث گردیده که دانشمندان فراوانى در دوره اسلامى ظهور کنند و آثار و تألیفات بیشمارى از ایشان بر جاى ماند که شرح احوال و معرفى کتابهاى ایشان در مجموعه‏هایى بنام کتابهاى «الفهرست»یا بعضا کتابهاى رجالى ثبت گردیده در شرایطى دانشى را تحت عنوان علم رجال در گستره فرهنگ و علوم اسلامى به وجود آورد.

2-پژوهش در متون کهن اسلامى مستلزم شناسایى دقیق کتاب و میزان اعتبار و و ثاقت مولف آن است.همچنین در تشخیص احادیث صحاح و ضعاف بایستى به احوالات ایشان در کتب رجال رجوع کرد.مى‏توان گفت در بیشتر شاخه‏هاى علوم اسلامى على الخصوص فقه و حقوق اسلامى، علوم قرآن و حدیث و تاریخ و تمدن اسلامى، شناسایى کتب علم رجال از ضروریات به شمار مى‏آید.على الخصوص کتبى که مؤلفین آنها معاصر مترجمین و راویان احادیث بوده‏اند و آشنایى بى‏واسطه و مستقیمى با آنها داشته‏اند.

3-گر چه در اثر تطاول ایام بسیارى از کتب رجالى پیشینیان، امروزه در دسترس نمى‏باشد.اما برخى از آنها در اختیار صاحبان کتب اصلى رجال مانند کشّى و نجاشى و طوسى و ابن شهر آشوب بوده است.چنانکه شیخ طوسى در مقدمه کتابش به تصنیفات پیشینیان خود در این باب اشاره دارد(همو، الفهرست، 1)و مى‏توان از منابع اصلى علم رجال، ویژگى‏هاى کتب رجال در قرن سوم هجرى را استخراج کرد این منابع عبارتند از:

1-3 الفهرست، الرجال و اختیار معرفة الرجال، هر سه تألیف ابو جعفر محمد بن حسن طوسى م 460.

4-فهرست اسماء مصنّفى الشیعه معروف به رجال نجاشى، تألیف ابو العباس احمد بن على نجاشى م 450.

5-معالم العلماء، تألیف محمد بن على بن شهر آشوب مازندرانى م 588.

6-حل الاشکال فى علم الرجال (1) ، تألیف جمال الدین احمد بن موسى بن طاووس حلى م 673.

7-الرجال، تألیف تقى الدین حسن بن على بن داود حلّى مشهور به رجال ابن داود سال تألیف 707.

8-خلاصة الاقوال، تألیف جمال الدین حسن بن یوسف بن على بن مطهر حلّى م 726.

اصل و اساس بودن منابع فوق در جرح و تعدیل مورد پذیرش غیر امامیان نیز مى‏باشد چنانکه تونى در«الوافیه»به منابع فوق و انحصار جرح و تعدیل به توسط آنها تصریح کرده است(المختصر، 61)و ما با استناد به آنها و سایر متون رجالى، کتب رجال شیعه در قرن سوم هجرى را معرفى نموده‏ایم.

تعریف و پیدایش علم رجال

علم رجال در اصطلاح مورخان، علم به احوال بزرگان و دانشمندان است (دهخدا، 10500)و در اصطلاح دانشمندان علوم حدیث و فقها، علم به احوال راویان احادیث پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام را گویند در تعریف این علم گفته‏اند:«علم یبحث فیه عن احوال الرواة من حیث اتصافهم بشرائط قبول اخبارهم و عدمه»(سبحانى، 11).علمى که در آن از احوال روایان احادیث بحث مى‏شود از حیث آنکه آیا ایشان شرایط پذیرش احادیث را دارا مى‏باشند یا نه؟شیخ آغا بزرگ تهرانى در تعریف این علم مى‏نویسد:«علم رجال حدیث علمى است که درباره حالات و اوصاف راویان-از آن جهت که به قبول یا عدم پذیرش قولشان ارتباط پیدا (1)-اصل این کتاب امروزه وجود ندارد بلکه بازیافته آن توسط حسن بن زید الدین عاملى(فرزند شهید ثانى)به نام«التحریر الطاووسى»موجود است. مى‏کند-بحث مى‏نماید(همو، الذریعه، 1/80).

اولین کسى که در علم رجال به معناى عام آن رساله‏اى تألیف کرده عبید اللّه بن ابى رافع کاتب امیر المؤمنین على(ع)است و آنرا«تسمیة من شهد مع امیر المؤمنین علیه السلام الجمل و الصفین و النهروان من اصحاب رسول اللّه صلى اللّه علیه و آله»نام نهاده است.شیخ طوسى این اثر را معرفى کرده و اسناد خود را در نقل آن کتاب ذکر کرده است(همو، الفهرست، 202).

پس از ابن ابى رافع، اجلح بن عبد اللّه بن حجیه کندى کوفى متوفاى 140 یا 145 رساله‏اى در رجال تألیف کرده است.شرح حال او در خلاصه تهذیب الکمال آمده است و ابن معین و عجلى او را توثیق کرده‏اند.ابن عدى او را شیعه و مستقیم الحدیث خوانده است(تهرانى، مصفى المقال، 40)نام رساله او«من شهد مع على بن ابى طالب من اصحاب الرسول(ص)است.خطیب بغدادى به اسناد خود از غیاث بن ابراهیم از اجلح کندى و از کتاب رجال مذکور نقل مى‏کند(همو، 1/203).

پس از اجلح، شیخ اقدام ابو مخنف لوط بن یحیى الازدى متوفاى 151 پیشگام در علم رجال است.وى مورخ، رجالى و نسّابه و از اصحاب امام صادق(ع)است و کتابهایى در مغازى و فتوح و اخبار و تراجم و احوال دارد که نجاشى از آنها نام مى‏برد و کتابى با عنوان«اخبار آل مخنف»از اوست که شرح احوال جمیع آن خاندان است(همو، 320).

علم رجال در قرن سوم هجرى

قرن سوم هجرى قرن پیدایش و گسترش علم رجال به معناى خاص آن است.در نیمه این قرن، عصر حضور ائمه اطهار علیهم السلام به پایان مى‏رسد و بحث و بررسى درباره احادیث منقول از ایشان که نیازمند شناسایى راویان احادیث و رسائل و تصنیفات آنهاست و همچنین تبویب و تدوین اصول اربعمأة باعث گردید کتابهاى ارزشمندى در زمینه فهرست و رجال توسط دانشمندان شیعى تألیف گردد. و این در حالى است که این طایفه از ناحیه مخالفان خود بعضا متهم بوده‏اند که رجال و تصنیفاتى ندارند(نجاشى، 3).در زیر معروفترین این دانشمندان و کتابهاى رجالى ایشان معرفى شده است:

1-ابو محمد عبد اللّه بن جبلة بن حیان بن ابجر کنانى متوفاى 219 هجرى.شیخ طوسى وى را موثق مى‏داند و طریق روایت خود را به او نقل مى‏کند(همو، الفهرست، 189)و نجاشى وى را آگاه و فقیه و موثق و مشهور توصیف کرده و مى‏گوید از آثار او کتاب الرجال است(همو، 216).برخى او را مؤسس علم رجال مى‏دانند.حسن صدر گوید اولین کسى که در اسلام کتاب الرجال تألیف کرده عبد اللّه کنانى متوفاى 219 است و نه شعبه متوفاى 260-چنانکه سیوطى مى‏نویسد-و نه واقدى صاحب کتاب طبقات الرواة که در سال 230 وفات کرده است(همو، 233)عبد الوهاب عبد الطیف استاد سابق الازهر نیز کتاب کنانى در علم رجال شیعه را تعریف کرده و آنرا از کتب معتبر در تعدیل و ترجیح برشمرده است(همو، 91).

2-ابو على حسن بن محبوب سراد متوفاى 224، شیخ طوسى گوید او از اصحاب امام رضا علیه السلام و جلیل القدر و موثق بود و از شصت تن از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت کرده و از ارکان اربعه در عصر خود به شمار مى‏آید (همو، الفهرست، 96)حسن بن محبوب یکى از اصحاب اجماع نیز بوده است (طریحى، 178)و این دلالت بر جلالت و وثاقت فوق العاده وى نزد قاطبه امامیه دارد.او دو کتاب در علم رجال دارد:اول مشیخه که اثرى حدیثى و رجالى بوده و بعدها داود بن کوره قمى احادیث آن را بر حسب معانى فقه تبویب نمود(نجاشى، به رقم 416).و دیگر کتاب معرفة رواة الاخبار که در آن به معرفى راویان اخبار پرداخته است(ابن شهر آشوب، 33).

3-حمید بن زیاد دهقان کوفى متوفاى 310 از مشایخ محمد بن یعقوب کلینى متوفاى 329.نجاشى گوید او موثق و آگاه و وجیه بود و کتبى تألیف کرد که از زمره آنها کتاب الرجال و کتاب من روى عن الصادق علیه السلام است.ابو الحسن على بن حاتم گوید او را در سال 306 ملاقات کرده و کتاب الرجال وى را سماع کرده و اجازه نقل آنرا دارد(نجاشى، 132)نیز کتابى بنام فهرست دارد و نجاشى به آن کتاب ذیل تراجم عبید اللّه بن احمد و على بن ابى صالح تصریح مى‏کند(همان، 232 و 257).

4-ابو محمد فضل بن شاذان نیشابورى متوفاى بین سالهاى 254 و 260.او از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادى بود و در ایام امام عسکرى(ع)وفات کرد.نجاشى گوید او موثق و جلیل القدر و فقیه و متکلم بود(همو، 307)ابو على در نقل اقوال رجالى فضل بن شاذان در کتابش رمز(فش)را براى وى قرار داده است و علامه حلى اقوال رجالى وى را نقل مى‏کند(خلاصة الاقوال، 251).

5-سعد بن عبد اللّه اشعرى متوفاى 299 یا 301.او شیخ الطایفه و فقیه امامیه بود و احادیث بسیارى از عامه شنید و در طلب حدیث مسافرت کرد و بسیارى از بزرگان ایشان را ملاقات نمود(الفهرست، 152)نجاشى گوید کتابهاى او در رجال «مناقب رواة الحدیث»و«مثالب رواة الحدیث»است(نجاشى، 177)و کتابى به نام طبقات الشیعه از اوست که در آن رجال شیعه را طبقه بندى کرده است(همان، 404 و 436)شیخ طوسى گوید:سعد بن عبد اللّه فهرستى از کتابهایى که روایت کرده نیز تألیف کرده است(همو، الفهرست، 153).

6-احمد بن على علوى عقیقى متوفاى 280.وى در طبقه کلینى است و على بن ابراهیم قمى از مشایخ اوست.او مقیم مکه و کثیر التألیف بوده و از تصنیفات او کتاب تاریخ الرجال است چنانکه نجاشى در رجالش(ص 81)و طوسى در فهرست (ص 34)و ابن شهر آشوب و دیگران گزارش کرده‏اند.

7-ابو الحسن على بن احمد عقیقى از رجالیان قرن سوم و چهارم است و کتاب‏ رجالش موسوم به رجال العقیقى تا به امروز موجود است(تهرانى، مصفى المقال، 271)علامه در خلاصه از آن فراوان نقل کرده و نجاشى ذیل نام زیاد بن عیسى(ص 171)از آن یاد مى‏کند طوسى شرح حال مستقلى به وى اختصاص داده و مى‏گوید از جمله آثار او کتاب الرجال است(همو، الفهرست، 211)ابو على متوفاى 1216 در کتاب منتهى المقال از رجال عقیقى نقل مى‏کند و رمز(عق)را به آن اختصاص داده است.

8-على بن حکم نخعى انبارى که از شاگردان ابن ابى عمیر است و بسیارى از اصحاب امام صادق(علیه السلام)همچون حسن بن على بن فضال و عبد اللّه بن بکیر را ملاقات کرده است(کشى، 352)نجاشى او و کتابش را تعریف کرده(همو، 274)و شیخ طوسى گفته او ثقه و جلیل القدر است و طریق خود را در روایت کتاب او ذکر مى‏کند(همو، فهرست، 220)از کتاب على بن حکم که رجال الشیعه نام دارد صاحب لسان المیزان بعضى از تراجم همچون ترجمه حسان بن ابى عیسى صیقلى را نقل مى‏کند(عسقلانى، 2/188).

9-ابو محمد حسن بن على بن فضال کوفى متوفاى 224.وى فطحى مذهب بود پس از آن به امامیه گرایید.نجاشى از او نام برده و کتاب الرجال را در زمره کتب وى برشمرده و اسناد خود را در نقل آثار او بیان مى‏دارد(نجاشى، 36).او از اصحاب امام رضا علیه السلام بود و فرزندش ابو الحسن على بن حسن بن على بن فضال نیز موثق و جلیل القدر است.

10-ابو الحسن على بن حسن بن على بن فضال، نجاشى در شرح حال وى گوید: او فقیه اصحاب ما در کوفه و موثق و عارف به احادیث بود و خطا و لغزشى نداشت و از ضعفاء نقل نمى‏کرد و در تصانیف او از کتاب الرجال نام مى‏برد و طریق خود را در نقل از آن کتاب ذکر مى‏کند(نجاشى، 257)کسانى که از او روایت مى‏کنند ابن زبیر على بن محمد متوفاى 348 و ابن عقده احمد بن محمد متوفاى 333 و دیگرانند.

11-ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقى متوفاى 274 یا 280.نجاشى مى‏گوید او کوفى و فى نفسه ثقه است، اما از ضعفا نیز نقل مى‏کند و به مراسیل اعتماد دارد.معروفترین کتاب برقى المحاسن نام دارد که خود مشتمل بر کتب عدیده است.شیخ طوسى و نجاشى کتاب‏هاى وى را ذکر مى‏کنند که از جمله آنها کتاب الطبقات است که در آن اصحاب پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام را به ترتیب ذکر مى‏کند و کتاب دیگر او کتاب الرجال است(نجاشى، 76 و طوسى، الفهرست، 37)کتاب الطبقات برقى از قرون گذشته مورد استفاده رجالیان بوده و هم اکنون نیز موجود است.(تهرانى، مصفى المقال، 405)هر چند در انتساب این کتاب به احمد بن محمد بن خالد برقى یا پدر او محمد بن خالد یا حتى نوه برقى تردیدهایى وجود دارد(سبحانى، ).

12-ابو عبد اللّه محمد بن خالد برقى از اصحاب امام رضا علیه السلام.نجاشى مى‏گوید او ادیب و به اخبار و علوم عرب آگاه بود(نجاشى، 335)شیخ طوسى نیز طریق روایت خود را به او نقل کرده است(طوسى، فهرست، 291)ابن ندیم در ابتداى فصل اخبار فقهاء شیعه ابو عبد اللّه برقى را نام برده و مى‏گوید از جمله کتابهاى او کتاب الرجال است که در آن راویان امیر المؤمنین على علیه السلام را ذکر کرده است(همو، الفهرست، 291)رجال برقى اخیرا به ضمیمه رجال ابن داود طبع گردیده است(ایروانى، 332).

نتیجه:

از این مقاله علاوه بر فوائد استطرادى نتایج اصول زیر حاصل مى‏شود:

1-امامیه در تأسیس و تدوین علم رجال پیشگام بوده است.

2-عبید اللّه بن ابى رافع اولین مصنف رجال در معناى عام آن است.

3-عبد اللّه بن جبّله کنانى متوفاى 219 اولین مصنف رجال الحدیث است.

4-قرن سوم به لحاظ تدوین اصول اربعماة و معرفى مؤلفین آنها و همچنین پایان عصر حضور ائمه اطهار(ع)و تألیف مجامع حدیثى داراى اهمیت ویژه‏اى در پیدایش کتب و اصول رجالى است.

5-کتب رجالى قرن سوم مأخذ کتب اربعه رجالى در قرون چهارم و پنجم بوده است.

6-بعضى از کتب رجال امامیه در قرن سوم همچون رجال برقى و عقیقى امروزه در دسترس است.

7-بعضى از کتب رجال امامیه در قرن سوم، در کتب متأخر رجالى نقل گردیده است.

منابع و مآخذ:

1-ابن داود حلى، حسن بن داود، الرجال، نجف، 1392 ق.

2-ابن عبید الله، ابو الحسن منتجب الدین، فهرست اسماء علماء الشیعة و مصنفیهم، تهران، مکتبة المرتضویة، 1404 ق.

3-ابن شهر آشوب، محمد بن على، معالم العلماء، نجف، 1961 م.

4-ابن الغضائرى، احمد بن حسین بن عبید اللّه، الرجال، تحقیق حسینى جلالى، دار الحدیث، قم، 1422.

5-ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بى‏جا، بى‏تا.

6-اردبیلى، محمد بن على، جامع الرواة، ناشر دار الاضواء، بیروت 1983 م.

7-ایروانى، باقر، القواعد الرجالیه، منشورات سعید بن جبیر، قم، 1417 ق.

8-حائرى، ابو على، منتهى المقال، مؤسسه آل البیت، قم، 1416 ق.

9-حلى، حسن بن یوسف بن على، الرجال، نجف 1961 م.

10-خطیب بغدادى، احمد بن على، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیة، بى‏تا.

11-دهخدا، على اکبر، لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1372 ش.

12-سبحانى، جعفر، کلیات فى علم الرّجال، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، 1410 ق.

13-صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، انتشارات علمى، بى‏جا، بى‏تا.

14-طریحى، فخر الدین، جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال، تحقیق محمد کاظم طریحى، انتشارات جعفرى تبریزى، تهران 1374 ق.

15-طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، الرجال، نجف 1961 م.

16-همو، الفهرست، افست از روى چاپ اسپرنگر، دانشگاه مشهد، 1351 ش.

17-طهرانى، آقا بزرگ، الذریعة الى تصانیف الشیعة، دار الاضواء، بیروت، 1403 ق.

18-همو، مصفى المقال فى مصنفى علم الرجال، تصحیح احمد منزوى، تهران، 1959 م.

19-عبد اللطیف، عبد الوهاب، المختصر فى علم رجال الاثر، قاهره، 1966 م.

20-عسقلانى، احمد بن على بن حجر، تهذیب التهذیب، حیدر آباد، 1325 ق.

21-همو، لسان المیزان، حیدر آباد، 1325 ق.

22-کشى، ابو عمر محمد بن عمر بن عبد العزیز، اختیار معرفة الرّجال، ناشر على محلاتى حائرى، بمبئى، 1317 ق.

23-نجاشى، احمد بن على، الرجال، تحقیق سید موسى شبیرى زنجانى، مؤسسه نشر اسلامى، 1407 ق.